سوء استفاده

سوء استفاده از کسی یا چیزی به معنای آزار رساندن او به عمد است.

مرد بدجنس از ​سگ خود وقتی با صدای خیلی بلندی پارس کرد ، سوء استفاده کرد.

استطاعت داشتن

داشتن هزینه ای به معنای آن است که پول کافی برای پرداخت آن دارید.

من پس انداز کرده ام ، بنابراین می توانم یک دوچرخه جدید بخرم.

پختن

پخت یعنی پختن غذا با حرارت.

خواهرم آشپز خوبی است. او کیک های خوشمزه ای می پزد.

لوبیا

لوبیا دانه گیاهی است که برای خوردن خوب است.

انواع مختلف لوبیا برای خوردن وجود دارد.

شمع

شمع چوبی از موم است که برای روشنایی یا گرما روی آتش روشن می شود.

وقتی چراغ ها خاموش شد ، شمع هایی روشن کردیم.

تبدیل

تبدیل چیزی به معنای تغییر آن به چیز دیگری است.

مرد مزرعه نامرتب خود را به باغ گل تبدیل کرد.

بدهی

بدهی مبلغی است که شخص بدهکار است.

قبض بنزین خود را پرداخت نکرده ام. من به شرکت گاز بدهی دارم.

کاهش یافتن

کاهش چیزی به معنای کم کردن آن نسبت به گذشته است.

استخدام افسران پلیس بیشتر باعث کاهش جرم در شهر شده است.

عیب

تقصیریک اشتباه است.

تقصیر من است که گربه فرار کرد. در را باز گذاشتم.

سرمایه

سرمایه مبلغی است که مردم دارند.

همه ما پول خود را در صندوق باشگاه خود قرار می دهیم.

بخشنده

وقتی کسی بخشنده است ، دوست دارد چیزهایی به مردم بدهد.

مرد سخاوتمند چندین کامپیوتر جدید به مدرسه ما اهدا کرد.

مواد اولیه

مواد تشکیل دهنده چیزی است که بخشی از یک وعده ی غذایی باشد.

مواد اصلی کیک تخم مرغ ، شکر و آرد است.

اصرار کردن

اصرار به معنای قاطع بودن در گفتن به مردم است که باید چه کاری انجام دهند.

من اصرار دارم که برخی از این کولوچه ها را امتحان کنید.

بهم ریختگی

آشفتگی شرایطی است که تمیز یا مرتب نباشد.

اتاق هدر کاملاً آشفته بود.

فلز

فلز ماده ای قوی است که مردم برای ساختن وسایل استفاده می کنند.

فولاد یک فلز رایج است که برای ساخت ساختمان استفاده می شود.

نظارت کردن

نظارت بر مردم یا چیزها این است که از نزدیک آنها را تماشا کنیم.

معلم هنگام تست زدن دانش آموزان را تحت نظر دارد.

مخالفت کردن

مخالفت با چیزی به معنای متنفر بودن یا عمل درعلیه آن است.

من می خواهم افسر پلیس شوم زیرا با جرم مخالفم.

منفعل

اگر فردی منفعل باشد ، برای حل مشکلات اقدامی نمی کند.

مارسی چنان منفعل است که هرگز مشکلات خودش را حل نمی کند.

تعداد

کمیت مقدار مشخصی از چیزی است.

من مقدار کمی شیر در لیوانم دارم.

شکایت کردن

شکایت از شخصی به این معنی است که او را به خاطر اشتباهی که مرتکب شده اند به دادگاه بکشاند

من بعد از اینکه در راهرو آنها روی پوست موز لغزیدم ، از شرکت شکایت کردم.

زمانی یک سرآشپز وجود داشت که نسبت به آشپزهایش بدجنس بود. او نسبت به مردمی که برای غذا خوردن وارد می شدند بدجنس بود. او برای وعده های غذایی بیش از حد هزینه می گرفت. بسیاری از مردم توانایی تهیه ارزانترین غذای لوبیا را نداشتند. وقتی اجاق فلزی اش خراب شد ، آن را برای تعمیر نفرستاد. بنابراین همه چیز پخته شده در آن سوخت. تنها نور مربوط به شمع ها بود و کل مکان بهم ریخته بود. بعضی اوقات ، او به پیشخدمت های خود پول نمی داد. از آنجا که آنها هیچ بودجه ای نداشتند ، بدهی های زیادی داشت.

سرآشپز تمام وقت اینگونه رفتار می کرد. او آشپزها را رصد می کرد و اگر کارها را به روش خودش انجام نمی داند ، داد می زد.

یک روز ، آشپزها به این نتیجه رسیدند که از سو استفاده خسته شده اند و دیگر منفعل نخواهند بود. همه با آشپز مخالفت کردند. در ابتدا به فکر شکایت از او افتادند. در عوض ، آنها آشپز را با طناب بستند. حالا ، آنها رستوران را کنترل کردند! آنها قیمت غذا را کاهش دادند. آنها از بهترین مواد استفاده کردند و مقادیر زیادی غذا درست کردند. چراغ ها را روشن کردند. رستوران به مکانی شاد تبدیل شده است. برای اولین بار ، افراد زیادی برای خوردن غذا آمدند.

سرآشپز متوجه شد که مشکلات رستوران تقصیر اوست. سرآشپز درس مهمی آموخت. آشپز جدید و سخاوتمند اصرار داشت که یک وعده غذایی رایگان به مشتریان بدهد.